

درستگی

نمبر ۲۲۲ ر ۲۱۱ د ۴۵

م ۲۱ ← ریون سوجل درستی با رعایت کلیات حقیقت عالی شود

قاعدہ

اسٹا ← ۲۲۲ ← ^{درستگی} ناجر سبیلہ — لغتہ ای صالہ کرد سے مستعمل
برائے برات صالہ کردہ (برائے گئی) اما سبیل نہ
برائے برات راقول کردہ — برات نہ
المر علی صالہ کردہ — اگر طہر بوسی کر رہا ہے تو گانت کر رہا ہے سہار کو
این استوار جامع کا سورا

اگر اپنی نہ مورد اتفاق استاد — ریون سوجل ہم سبب بہ عورتا مرد درستی عالی شود
ہم سبب بہ سار سوس

۴.۵ ← میں سوچا کہ گئی اس کا راضی کر کے پل لے

رہیں اصل دین اصلی ہی اگر مدبرین اصلی ہونے لگے،

پارٹ سے بہت بہت سامنی حال کو آہر لے

اعتدال

اقد صارت تافیر تافیر ازور تافیر سے رائی صرت رہے۔ از ناریخ نوقت

بصورتی کہ حکم درستی صارت سورہ دیون اور صند تافیر تافیر یعنی بھی لہر۔

سے۔ حکم اعمار ← عدا متقی صارت تافیر تافیر۔

جنت بنی الهی ... ۲۵۰ م

۲۵۰ م

۱۰۰ م حاتم حاتم به پرفت

فرمان
حافظه یلدی رفاقت
مکتب دلافت که

مکتب معنی مسعودی بود

۲۵۰

مکتب دلافت

حاشی غنی

صبر و شجاعت بود

۲۵۰ م حاشی غنی

مکتب دلافت

بدون این که فریاد دارد غما

دستهای → بود به فریاد پرفت می کند

وراد دلافت نام در دلافت بود

مکتب

باید مایه الفت را در

نکته : اگر عین مال در فقرت فریاد می زند
آفتاب و جنت پرفت شود یعنی برگردد مسعودی

مدرست طبع دلافت مسعودی ۲ سال در تاریخ دلافت حاتم

دلافت صلیب دلافت → دلافت محل لغات آجر
دلافت دلافت دلافت دلافت دلافت

م ۴۲۴ برضه م ۲۱۸ ق م است

م ۴۲۴ ^{یعنی زنده اند} ^{مستحق} معامله به صد هزار ریال

م ۲۱۸ > معامله به صد هزار ریال صحیح است

> معامله به صد هزار ریال اگر صدی باشد به نظر من

بودن باطل است

فاقد صد ریال است

نکته - عین معامله به صدی قابل تسع است که به صد ریالی

یا صدی باشد و اگر صدی صد م ۴۲۶ این معامله باطل خواهد بود

عین به صد ریقه مستردی شود

میانجی مستردی شود

بابت کمی جزو غنای شود

قابل تسع

نکۃ : کھر دسرم اسوال توط عفو ناظر ایامی سؤر .

تعلای کھو دم آری مبله کھو دسرم ناله باله — سدر تقیه از غصه
ناظر تعلای کند .

مخرج مشنات رین از کھو دسرم با اعلیٰ عفو ناظر و توط سدر تقیه ایام
کی سؤر

توق تاجر — علی اللعل تا غیر در کسسه باز داشت (وقتی نامی سؤر
سکر یح که این توط با س)

① مدار ۱۳ د ۱۲ رعایت نکوه باله به اسؤر لکما

عنی حکم در کسسه

② علو سؤر به واسطه اندامات خود قصد عبور لری لری سؤر عمل در کسسه
را دارد .

نکته : به موجب قانون لایحه تصنیف امور رشکشی - تاجر توقیف می تواند هر ساله یک بار
و تمام سال که در موسم به توبه یک بار بعد از تولد طلیحاران : به توقیف خود اعم از آنکه

اگر معلوم شود تاجر در شش ماهه فرار کرده یا اسوال خود را حتی بر رها

نکته : اگر صورت بر روی اسوال یک بار در محلی باشد محروم میماند
سبب .

نکته : سبب رها توبه و غیره محکمه صورت میگیرد
مدر تصنیف می تواند ۱۲ ساعت قبل به تاجر اعلام کند که در صورت

سبب رها توبه و غیره

در حاضری توبه - یا حضور عین حاضر اندام صورت میگیرد
کفایت آنرا که به مدر تصنیف تبیین می شود

کتاب ۳۵۸ ← در عای رعدی به هفت طیاران به یکی نرسد

هفته ← هر هفته + با احاده عصوات - حق صلح

کتاب ۳۵۸ ← هر صلح راجع به دعای غیبه منقول تبع و رکنه باشد به خود
تاجر هم باید احضار شود

کتاب ۳۵۸ ← نزد صدیق نگاه در مورد صلحی که بر می آید از دل رانند

تاجر احضار شود لازم نیست

۱) قابل شروع نباشد
۲) بیسی ز... مال باشد
۳) می تواند به صلح اعتراض کند

۱۲
اَنْرِضِلْهُمُ اَرْضًا رَاحَةً ۖ اَسْوَالُ عَنْهُ مَنْتَوَلِ بِاِلَهٍ ۚ — صرف اعترافی
تاجر ۛ این صلیح برای صلیح کفایت می کند.

* / استمرار در عود از صید و شکار ۛ — ۛ به عود از صید و شکار (در سوره)
✓ بَعْدَ رَاحَةٍ رَاحَةٍ +

